

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Semiotics as a Framework for Reading and Writing Landscape
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

نشانه‌شناسی به‌عنوان چارچوبی برای خوانش و نگارش منظر*

شینا ص برنجی^۱، مجتبی انصاری^{۲*}، محمدرضا بمانیان^۳، مسعود حسینی^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه معماری دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. استاد گروه معماری دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. استادیار دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

چکیده

بیان مسئله: علم نشانه‌شناسی نوین در عرصه‌های مختلفی از علوم، دریچه‌های جدیدی باز کرده و فرایند تحلیل را در شاخه‌های مختلف با ارائه الگوهایی بسط داده است. به نظر می‌رسد نشانه‌شناسی می‌تواند چارچوبی در اختیار معماران منظر قرار دهد.

هدف پژوهش: این پژوهش با مراجعه به مبانی نشانه‌شناسی در پی یافتن نسبت بین نشانه‌شناسی و معماری منظر است تا از این طریق به الگویی برای تحلیل و طراحی معماری منظر برسد.

روش پژوهش: این مقاله از روش تطبیق لنزی برای قیاس منظر به‌عنوان یک متن و نشانه‌شناسی به‌عنوان ابزار تحلیل متن بهره می‌برد و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل مفاهیم پایه، نظرات و تقسیم‌بندی‌های افراد صاحب‌نظر در عرصه نشانه‌شناسی می‌پردازد و الگوهایی ترکیبی برای تحلیل و طراحی پیشنهاد می‌کند.

نتیجه‌گیری: از یافته‌های این پژوهش پیشنهاد الگوی سه‌وجهی ترکیبی برگرفته از الگوی پیرس و الگوی یلمزلف برای مطالعات منظر است که کالبد، معنا و مخاطب منظر را در ارتباط با یکدیگر مورد مطالعه قرار می‌دهد. همچنین در مطالعات مربوط به کالبد و معنا، الگوی بسط‌داده‌شده یلمزلف توسط وانگ را عملیاتی کرده، که الگوی سه مرحله‌ای برای یافتن معنای منظر یا معنا بخشی به آن است.

واژگان کلیدی: نشانه‌شناسی، معماری منظر، چارچوب، کالبد، معنا.

«معماری» دانشگاه «تربیت مدرس» در سال ۱۴۰۰ انجام شده است.

* نویسنده مسئول: ۰۲۱۸۲۸۸۳۷۲۰، ansari_m@modares.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «شینا ص برنجی» با عنوان «نمود استعاری آب در معماری منظر معاصر ایران با بهره‌گیری از قرآن کریم» است که به راهنمایی دکتر «دکتر مجتبی انصاری» و مشاوره دکتر «محمدرضا بمانیان» و دکتر «مسعود حسینی» در دانشکده

مقدمه و بیان مسئله

این تحقیق در پی یافتن نسبت نشانه‌شناسی و معماری منظر است. نشانه‌شناسی رویکردی گسترده، جامع و چندساحتی است که علاوه بر موضوعات معنا و شناخت، کلیه پدیده‌های فرهنگی، زیستی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. بدین ترتیب نشانه‌شناسی نه تنها در زبان‌شناسی که در حوزه فلسفه، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر و مطالعات فرهنگی کاربردی وسیع دارد (ضمیران، ۱۳۸۳، ۳۹). نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است که به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جستجوی معناهای پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۹۴، ۲۹). نشانه‌شناسی می‌کوشد تا به ورای ظاهر و آنچه در پس آن نهفته است بنگرد تا ساختارهای فرهنگی و اجتماعی زیربنایی مولد آن را آشکار کند (Mingers & Willcocks, 2017, 17). نشانه‌شناسی را می‌توان نوعی دانش و درک و دریافت پدیده‌های جهان دانست که از طریق خوانش علائم و نشانه‌ها حاصل می‌شود (ضمیران، ۱۳۸۳، ۷).

یافتن نسبت نشانه‌شناسی و معماری منظر، امکان تحلیل سلسله‌مراتبی، چندبطنی و چندجانبه را برای طراح و تحلیل‌گر منظر فراهم می‌کند و زاویه دید نسبتاً جامعی پیش روی او قرار خواهد داد. بنابراین پرداختن به این موضوع می‌تواند ابزار قدرتمندی را برای طراحان و معماران منظر فراهم کند؛ چنان‌که برای سایر رشته‌ها در حوزه علوم انسانی، ادبیات و فلسفه فراهم کرده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که چگونه نشانه‌شناسی می‌تواند چارچوبی برای تحلیل و طراحی در اختیار معماران منظر قرار دهد؟ بدین ترتیب هدف این مقاله استفاده آگاهانه‌تر از نشانه‌شناسی به‌عنوان یک ابزار در مراحل مختلف تحلیل یا طراحی منظر است.

پیشینه تحقیق

پیرامون ارتباط و نحوه کاربرد نشانه‌شناسی در معماری منظر مطالعات گسترده‌ای در دنیا انجام نشده است. در ایران نیز مطالعات چاپ‌شده‌ای دیده نمی‌شود. با این حال لوماس، هنر را یکی از مجاری نشانه‌شناسی می‌داند که می‌تواند از راه‌های مختلف، معنا را تولید و انتقال دهد و از معماری به‌عنوان یکی از روش‌های برجسته هنری نام می‌برد (Lomas, 2016; Lomas, 2019, 8). در زمینه ارتباط معماری و نشانه‌شناسی، نظریه پردازان برجسته نظیر بارت، اکو و گریماس اشاراتی دارند (Bronwen & Ringham, 2006, 213-219-222). همچنین کتبی مانند کتاب «پیرس برای معماران» (Coyne, 2019) در این رابطه وجود دارد. در ایران نیز مقالاتی در ارتباط با نشانه‌شناسی و معماری و شهرسازی نوشته شده است. این مطالعات را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول به مقایسه دیدگاه سوسور و پیرس پرداخته و نهایتاً شاخص‌های نشانه‌شناسی ساختارگرا و پسا‌ساختارگرا را مورد قیاس قرار داده است (غفاری و فلامکی، ۱۳۹۵؛ ماجدی و سعیده زرابادی، ۱۳۸۹). دسته دوم مقالاتی هستند که در تلاش برای تطبیق شاخص‌هایی از نشانه‌شناسی با نمونه‌های مصداقی چون بازار، مسجد، محله و فرم شهر برآمدند. در این میان، مبحث نشانه‌شناسی لایه‌ای که توسط فرزانه سجودی پیشنهاد و مورد استفاده قرار گرفته است، ویژگی‌های قابل تأملی را مطرح می‌کند (طلایی، حبیب و مختاباد امری، ۱۳۹۷؛ دباغ و مختاباد امری، ۱۳۹۳؛ دانشپور، رضازاده، سجودی و محمدی، ۱۳۹۲، غفاری، ۱۳۹۶؛ ترکمن، انصاری و کیانی، ۱۳۹۸). در پژوهش‌های جهانی پیرامون منظر و نشانه‌شناسی می‌توان به سه مقاله اشاره کرد (جدول ۱). جرجسنون، معمار منظر و استاد دانشگاه فنلاندی، می‌گوید با استفاده

جدول ۱. خلاصه مطالعات پیرامون نشانه‌شناسی معماری منظر جهان. مأخذ: نگارندگان.

سال انتشار	نویسندگان	موضوع
۲۰۱۸	کوبین رافورست، دوچارت، ویم وان در کناپ، گردا رولبولد، آدری وندن برینک	چارچوبی برای تجزیه و تحلیل محتوای بصری با استفاده از نشانه‌شناسی (خواندن بازنمون‌های طراحی منظر به‌عنوان اثر متقابل اعتبار، خوانایی و تعامل)
۲۰۱۶	کوبین رافورست، دوچارت، ویم وان در کناپ، گردا رولبولد، آدری وندن برینک	ارتباط طراحی منظر نشانه‌شناختی: با رویکرد تحقیق بصری انتقادی در معماری منظر
۱۹۹۸	کارستن جرجسن	نشانه‌شناسی در معماری منظر

از مفاهیم و عناصر نشانه‌شناسی، امکان توسعه یک مدل یا نظریه‌ی منظر که ساختار زبانی و ذهنی منظر را منعکس کند، وجود دارد. او در این مقاله مدلی را معرفی نمی‌کند و به ذکر نمونه‌هایی از منظر که با تقسیمات سه‌گانه پیرس هماهنگ است، اکتفا می‌کند (Jorgensen, 1998, 39). کوین و همکاران در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸ در مقالاتی با تأمل در مفاهیم نشانه‌شناسی، چارچوبی تحلیلی مبتنی بر نظریه نشانه‌شناسی پیرس برای تجزیه تحلیل محتوای بصری تصاویری که برای معرفی طراحی منظر ارائه می‌شوند، مطرح کردند. برای این منظور از نتایج ارائه‌های یک مسابقه منظر استفاده کردند (Raaphorst, Duchhart, van der Knaap, Roeleveld, & Van Den Brink, 2016; Raaphorst, Roeleveld, Duchhart, Van Der Knaap & Van Den Brink, 2018). بدین ترتیب مطالعه‌ای که از ارتباط معماری منظر و نشانه‌شناسی به دنبال الگویی برای تحلیل و طراحی و معنابخشی به منظر باشد، دیده نمی‌شود و این وجه تمایز شاخص این پژوهش و سایر مطالعات این حوزه است.

مبانی نظری

برای یافتن جایگاه نشانه‌شناسی در معماری منظر ابتدا لازم است مروری بر ادبیات و مفاهیم پایه‌ای آنها شود.

• نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی معادل Semiotics (و گاهی Semiotic) یا Semiology به کار می‌رود. هرچند میان این دو اصطلاح تفاوت جزئی مشاهده می‌شود^۱. واژه Semiotics از زبان یونانی باستان گرفته شده است. این واژه از فعل Semainein به معنی دلالت کردن اخذ شده است (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ۳۸؛ چندلر، ۱۳۹۴، ۲۶). در واقع هر چیزی که به‌عنوان دلالت‌گر، ارجاع‌دهنده یا اشاره‌کننده به چیزی غیر از خودش تلقی شود، می‌تواند نشانه باشد (چندلر، ۱۳۹۴، ۴۱). یکی از عام‌ترین تعاریف نشانه‌شناسی از «امبرتو اکو» است که معتقد است نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتوان آن را نشانه دانست، سروکار دارد (Eco, 1979, 7).

بنیان‌گذاران نشانه‌شناسی نوین، «چارلز ساندرس پیرس»

جدول ۲. سه وجه نمایه‌ای، شمایی و نمادین از دیدگاه پیرس. مأخذ: نگارندگان.

وجه نمادین	وجه شمایی	وجه نمایه‌ای
دال شباهتی به مدلول ندارد، اما براساس یک قرارداد اختیاری به آن مرتبط شده است (چراغ راهنمایی).	مدلول به خاطر شباهت به دال یا به این علت که تقلیدی از آن است دریافت می‌شود (نقاشی چهره).	نمایه نشانه‌ای است که با شیء‌ای که در برابرش قرار دارد، رابطه مجاورت یا علیت یا رابطه فیزیکی دیگری دارد (دود، رعد، رد پا).

و «فردینان دو سوسور» هستند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ۴۴). الگوی سوسور دویخشی است و نشانه را مرکب از دال و مدلول می‌داند. مفسران معاصر شکلی که نشانه به خود می‌گیرد را دال و مفهومی که نشانه به آن ارجاع دارد را مدلول می‌دانند. سوسور با بحث‌هایی پیرامون دلالت، دال، مدلول و نشانه، بنیادهای اولیه علم نشانه‌شناسی را بنیان نهاد. الگوی پیرس سه‌وجهی است و شامل باز نمودن^۲ یا نمود (صورتی که نشانه به خود می‌گیرد)، تفسیر^۳ (معنایی که از نشانه در ذهن مخاطب حاصل می‌شود) و موضوع^۴ یا شیء (که نشانه به آن ارجاع می‌دهد) است. پیرس تعامل بین این سه را نشانگی (فراپند معنی‌سازی) نامید (سجودی، ۱۳۹۰، ۲۱؛ چندلر، ۱۳۹۴، ۶۱). او همچنین با طبقه‌بندی نشانه‌ها به نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین، مطالب بنیادینی در ارتباط با نشانه‌شناسی به قلم تحریر درآورد (جدول ۲). پیرس می‌گوید سه مقوله نشانه‌ها الزاماً مقوله‌هایی قطبی و قطعی نیستند و در نوعی رابطه پیوستاری با یکدیگر قرار دارند (سجودی، ۱۳۹۰، ۳۲). اینکه نشانه‌ای نمادین است، شمایی است یا نمایه‌ای، در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه وابسته است. دال ممکن است در بافتی در منش شمایی به کار گرفته شود، و در بافت دیگری در منش نمادین (چندلر، ۱۳۹۴، ۴۳). پیرس اعتقاد داشت در کامل‌ترین نشانه‌ها، آمیزه‌ای از جنبه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین به نسبتی مساوی با یکدیگر وجود دارد (ضیمران، ۱۳۸۳، ۱۹۶).

موریس نخستین نشانه‌شناسی است که آن را به سه بخش نحوشناسی^۵، معناشناسی^۶ و کاربردشناسی^۷ تقسیم کرده است. این سه بخش، سه قلمرو متفاوت نشانه‌شناسی را نشان می‌دهد. نحوشناسی از روابط موجود میان نشانه‌ها و معناشناسی از رابطه نشانه‌ها با اشیاء و تعبیرهای متناظرشان بحث می‌کند. کاربردشناسی از رابطه نشانه‌ها با کاربران صحبت می‌کند (Cobley, 2001, 259-260). برخی زبان‌شناسان معتقدند که معناشناسی، معنا را بیرون از سیاق و بافت، ولی کاربردشناسی معنا را درون بافت بررسی می‌کند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۳، ۵۷). بدین ترتیب می‌توان تفسیر را در محدوده کاربردشناسی، نحو را در

• دلالت مستقیم و دلالت غیر مستقیم

در نشانه‌شناسی، معنای صریح و ضمنی، مفاهیمی در ارتباط با رابطه دال و مدلول هستند. در دلالت مستقیم (صریح) تمایل به ارائه معنای معین و آشکار برای نشانه است. اصطلاح دلالت ضمنی برای ارجاع به معناهای (تداعی‌های) اجتماعی-فرهنگی و شخصی نشانه است. در حقیقت معانی ضمنی، مفاهیمی هستند که با رابطه دال و مدلول سروکار دارند. ماهیت نشانه چندمعنایی است و معنا توسط هر دو دلالت ایجاد می‌شود.

• سلسله‌مراتب دلالت

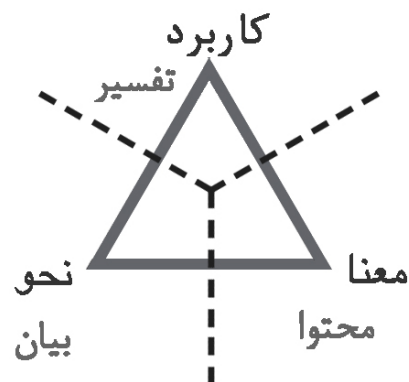
«بارت» توجه محققین را به توانایی و قابلیت نشانه‌ها در ایجاد مراتب دوم، سوم و چهارم تداعی جلب می‌کند. پیرس این مفهوم را تسلسل می‌نامد (ضیمران، ۱۳۸۳، ۱۶). تمایز میان مراتب دلالت دقیق و واضح نیست، اما بعضی از نظریه‌پردازان با مقاصد تشریحی و تحلیلی آنها را به سه مرحله تقسیم کردند. بارت دیدگاه یلمزلف را درباره مراتب دلالتی می‌پذیرد. مرتبه اول دلالت، دلالت صریح است: در این سطح، نشانه شامل یک دال و یک مدلول است. دلالت ضمنی دومین مرتبه دلالت است که نشانه‌های (دال‌ها و مدلول‌های) مستقیم را به‌عنوان دال در نظر می‌گیرند و یک مدلول جدید به آنها منتسب می‌کنند. در این چارچوب، دلالت ضمنی یک نشانه است که از دال یک نشانه‌ای با دلالت مستقیم مشتق می‌شود (دلالت صریح سبب زنجیری از دلالت‌های ضمنی می‌شود). به عبارت دیگر اولین مرتبه دلالت بازنمایاننده و نسبتاً خودبسنده است. دومین مرتبه دلالت بازتابی از ارزش‌ها است که به یک نشانه متصل می‌شود و در سومین مرتبه دلالت، نشانه‌ها بازتابی از اصلی‌ترین مفاهیم متغیر فرهنگی هستند که حامی یک دیدگاه جهان‌شمول خاص هستند (ایدئولوژیک). دال یا مدلول بودن به سطحی که فرایند تحلیل در آن رخ می‌دهد بستگی دارد. یک مدلول در یک سطح می‌تواند یک دال در سطحی دیگر باشد. مجازها (مثلاً استعاره) زاینده دلالت‌های ضمنی هستند (چندلر، ۱۳۹۴، ۲۱۱-۲۱۷؛ سجودی، ۱۳۹۰، ۷۱-۸۰)؛ (تصویر ۳).

• رمزگان

مفهوم رمز در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است. معنای نشانه به رمزی که در آن قرار دارد، بستگی دارد. رمزگان چارچوبی را به وجود می‌آورند که در آن، نشانه‌ها معنا می‌یابند و باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شوند (چندلر، ۱۳۹۴، ۲۲۱). رمزگان نظام‌های ارزش‌اند. آنها جنبه اجتماعی و در نتیجه تاریخی دارند، اکتسابی و متنوع هستند (سجودی، ۱۳۹۰، ۱۴۴ و ۱۴۷). انواع مختلف رمزگان ممکن

حیطه بیان و نمود و معنا را به طور کلی به موضوع مرتبط دانست (تصاویر ۱ و ۲).

لویی یلمزلف الگوی دوگانه سوسور را بسط می‌دهد و چارچوبی برای تحلیل ارائه می‌کند. او با ارجاع به سطوح بیان و محتوا که به ترتیب معادل دال و مدلول در الگوی سوسور هستند، هر دو سطح را دارای جوهر و شکل می‌داند و باعث تقویت الگوی سوسور می‌شود. بدین ترتیب امکان تحلیل ابعاد مختلفی در انواع متن‌ها ایجاد می‌شود و به هر بعد، وجوه بالقوه دلالتی اختصاص یابد. در چارچوب یلمزلف چهار مقوله وجود دارد: جوهر بیان، شکل بیان، جوهر محتوا و شکل محتوا. این الگو برای تحلیل‌های نظام‌مند از متون چارچوب مفیدی مهیا می‌کند که باعث وسعت‌بخشی به ساختمان نشانه خواهد شد (چندلر، ۱۳۹۴، ۸۹-۹۰). تقابل صورت و جوهر ارزش معرفت‌شناختی جدیدی پیدا می‌کند و این امکان را فراهم می‌کند که از سویی جوهر و صورت دال و از سوی دیگر، جوهر و صورت مدلول را از هم جدا کنیم. جوهر مدلول براساس مفهوم یا اندیشه نهفته در آن تعیین می‌شود (گیرو، ۱۳۸۰، ۴۸-۴۹).



تصویر ۱. انطباق سه‌گانه پیرس و تقسیم‌بندی سه‌گانه موریس. مأخذ: نگارندگان.

دال	سطح بیان	صورت بیان
		جوهر بیان
مدلول	سطح محتوا	صورت محتوا
		جوهر محتوا
سوسور		یلمزلف

تصویر ۲. بسط الگوی دوگانه سوسور توسط یلمزلف. مأخذ: نگارندگان.

از جنبه صرفاً عینی، آن را خارج کرد. پانتر و کانتر ابعاد معنا، فعالیت و کالبد، و فرم، فعالیت و مفاهیم را ابعادی برای شناخت مکان و ایجاد حس هویت معرفی می‌کنند. فعالیت به طور مشخص به کارکرد فضا و رفتار و اتفاقاتی که به حضور انسان در فضا مربوط است می‌پردازد (Canter, 1991; Punter, 1977). بدین ترتیب در نگاهی کل‌نگر می‌توان سه بعد اصلی کالبد منظر، معنای منظر و فعالیت در منظر (یا مخاطب در منظر) را که به حضور انسان و ادراک او مربوط است، برای مطالعات منظر در نظر گرفت. هر یک از این ابعاد به طور مستقل یا در ارتباط با دیگر ابعاد، موضوع تحقیقات بی‌شماری است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی و روش تطبیق لنزی استفاده شده است. در روش تطبیق لنزی، «الف» لنزی برای ملاحظه و سنجش «ب» در نظر گرفته می‌شود. این روش شامل چندین مرحله اصلی است. نخست چارچوب ارجاع است که بهترین چارچوب ارجاع را آنها را معرفی می‌کند که از منابع مشخص مانند یک تئوری شناخته‌شده و قابل تعمیم استخراج شوند (پیراوی و ونک، ۱۳۹۵، ۴؛ Walk, 1998). در این پژوهش، نظرات نشانه‌شناسان و معماران منظر چارچوب ارجاعی اولیه را ایجاد کرده است. مراحل بعدی زمینه‌های تطبیق، فرضیه، ترتیب ساختاری و اتصال «الف» و «ب» است. در بحث زمینه‌های تطبیق به عقلانیت و دلیل پشت انتخاب پژوهشگر اشاره می‌شود. نخستین بار نشانه‌شناسی مدرن توسط زبان‌شناسان و در حوزه ادبیات مطرح شد. رفته‌رفته با گسترش تعریف متن و خارج شدن حدود آن از حوزه زبان‌شناسی به سایر علوم انسانی، مقولات بسیاری به‌عنوان متن تعریف شدند و از ابزارهای مختلف زبان‌شناسی در شناخت و تحلیل انواع متون اجتماعی، فرهنگی و موارد دیگر استفاده شد. محققان بسیاری در حوزه معماری منظر نیز به متن‌بودن و زبان منظر در حالت کلی و جزئی اشاره کرده‌اند (اسپین، ۱۳۸۷؛ Lindström, 1998; Kull & Palang, 2013, 114). دونکن‌ها اصطلاح متن را برای توصیف منظر به‌عنوان زمینه‌ای که در آن فرایند معنی با پایان باز رخ می‌دهد، مناسب می‌دانند و می‌گویند متن منظر سرشار از نشانه‌ها و استعاره‌ها است که بر معنای منظر اثر می‌گذارند. منظر متنی است که در آن، دال‌ها در زنجیره‌ای بی‌پایان از استعاره‌ها معنی می‌شوند (Duncan & Duncan, 2006, 26-28). گرچه شباهت بین متون ادبی و سایر متون لزوماً عین به عین نیست، اما این قیاس نتایج تحلیلی و شناختی بسیاری به همراه داشته است. بدین ترتیب منظر به‌عنوان یک متن می‌تواند از ابزار

است با هم اشتراکاتی داشته باشند و تحلیل نشانه‌شناختی هر متن یا فرایند، شامل در نظرگرفتن چندین رمزگان و روابط میان آنها است. چندلر، بارت و گیرو تقسیم‌بندی‌هایی را در رمزگان ارائه می‌کنند (چندلر، ۱۳۹۴، ۲۲۲ و ۲۲۳). «اکو» رمزگان را در دو دسته اصلی طبقه‌بندی می‌کند: رمزگان سیستمی (یا ساختاری) و رمزگان فرایندی. رمزگان فرایندی را قانونی می‌داند که عناصر یک رمزگان سیستمی را به عناصر یک یا چند رمزگان سیستمی دیگر پیوند می‌دهد. یوهانسن و لارسن معتقدند که نشانه‌شناسی در دو سطح رمزگان هم‌زمان فعال است. سطح اول رمزگان ساختاری رمزگانی هستند که مجموعه‌ای از عناصر را به نظامی مشخص و نه الزاماً بسته پیوند می‌زنند. در سطح دوم رمزگان فرایندی رمزگانی هستند که دست کم دو مورد از چنین نظام‌هایی را به هم می‌پیوندند (ضیمران، ۱۳۸۳، ۱۵۷).

• معماری منظر

معماری منظر تعاریف و ابعاد متنوعی دارد. ماهان و منصور منظر را پدیده‌ای عینی-ذهنی، زنده و پویا معرفی می‌کنند که علاوه بر کالبد، کیفیت و معنا را دربردارد. آنها تأکید می‌کنند که ارتباط انسان و محیط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ماهان و منصور، ۱۳۹۶، ۲۶). بعد عینی-ذهنی (کالبدی-ذهنی) از مهم‌ترین ابعاد مطرح‌شده برای منظر است. البته رویکردهای صرفاً کالبدی یا صرفاً ادراکی و ذهنی هم در ارتباط با منظر وجود دارد، اما از آنجا که هدف این پژوهش نگاه کل‌نگر به منظر است، از بیان رویکردهای تک‌بعدی اجتناب می‌شود. عینیت را می‌توان به کلیه وجوه کالبدی که توسط حواس قابل دریافت است، بسط داد و

سوم دوم مرحله اول جهان بینی ارزشها خودپسنده

نوع	صورت	مستقیم	غیر مستقیم	دلالت غیر مستقیم
	جوهر			
محتوا	صورت	مستقیم	غیر مستقیم	دلالت غیر مستقیم
	جوهر			

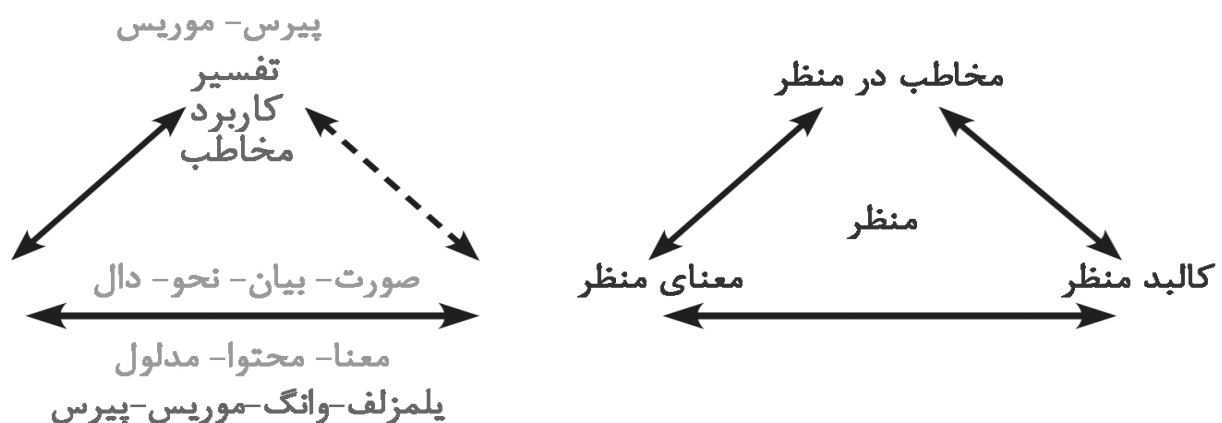
تصویر ۳. جایگاه انواع دلالت‌ها و مفاهیم پشت آن در الگوی یلمزلف. مأخذ: نگارندگان.

یا در ارتباط با مخاطب شکل می‌گیرد، در الگوهای پیرس و موریس وجود دارد، در حالی که در الگوهای سوسور و سوسورمحور چون یلمزلف و بارت دیده نمی‌شود. بنابراین در مطالعاتی که در آن، به نقش مخاطب یا کاربر فضا و یا ادراک و احساس او پرداخته می‌شود، لازم است از الگوهای سه وجهی نشانه‌شناسی استفاده شود. با این حال بحث معنا و صورت یا کالبد در نظریه یلمزلف بسط و شرح مفصل‌تری دارد و به لایه‌های عمیق‌تری می‌پردازد. از این رو در مطالعاتی که به معنای منظر یا ارتباط معنا و کالبد می‌پردازد، بهتر است به الگوی یلمزلف مراجعه شود. و در صورتی که در این پژوهش‌ها نقش مخاطب نیز در ارتباط با کالبد و معنای منظر قرار است، مورد ارزیابی قرار گیرد، الگویی ترکیبی از نظریه پیرس و یلمزلف پیشنهاد می‌شود (تصویر ۴). در مقایسه و ترکیب نظریه‌های سوسور و یلمزلف، معنا یا محتوا معادل مدلول و صورت یا بیان معادل دال در نظر گرفته می‌شود (سجودی، ۱۳۹۰). بنابراین معنای سلسله‌مراتبی یلمزلف و بارت معادل موضوع در نظریه پیرس (معنا در الگوی موریس) و سطح بیان در الگوی یلمزلف معادل بازنمون در الگوی پیرس (نحو در الگوی موریس) است. برای عملیاتی کردن الگوی یلمزلف در منظر، بسط این نظریه توسط وانگ که منبع به روزی نیز به شمار می‌رود می‌تواند مفید باشد. وانگ در کتاب اخیرش لایه صورت یا شکل بیان را شیوه‌ای تعریف می‌کند که عناصر جوهری متن به یکدیگر مرتبط می‌شوند و آن را ساختار درونی^۴ می‌نامد. او لایه جوهر بیان را شامل عناصر متن می‌داند که سیستمی (نظامی) از رمزگان را دربردارد. صورت محتوای متن، نظم (چیدمان) کلان محتوای معنایی متن را دربر دارد که شامل ساختار محتوایی کلی متن و سلسله‌مراتب معنایی محتوا می‌شود. وانگ به نقل از یلمزلف ساختار معنایی مفاهیم

تحلیل متن از جمله نشانه‌شناسی بهره‌مند شود. این فرضیه مورد استفاده در روش تطبیق لنزی این پژوهش است. روش تطبیق لنزی ترتیب ساختاری را این‌گونه تعریف می‌کند: الف ابزاری است برای ب. بدین ترتیب با استدلال منطقی و استفاده از قیاس، نشانه‌شناسی ابزاری برای شناخت و تحلیل منظر می‌شود (Raaphorst et al., 2016 and ; 2013). (Raaphorst et al., 2018, Lindström, Kull and Palang بخش پایانی روش تطبیق لنزی که به اتصال بین دو موضوع می‌پردازد در بخش بحث شرح داده می‌شود.

بحث

نظریه‌های نشانه‌شناختی چگونگی ساخت و تفسیر معنای نشانه‌ها را از طریق فرایند نشانه‌شناسی توصیف می‌کنند (Jappy, 2013). از ابزار نشانه‌شناسی به‌عنوان یک روش برای تحلیل متن منظر می‌توان بهره برد. منظر و نمودهای آن از چندین سیستم نشانه‌شناسی تشکیل شده است (Raaphorst et al., 2018, 168). برای فهم بهتر موضوع به تناظرهای بین نظریه‌های نشانه‌شناسی و معماری منظر پرداخته می‌شود. چنان‌که ذکر شد الگوهای مختلفی برای نشانه توسط نشانه‌شناسان ارائه شده است که هر کدام بخش‌هایی از ساختمان نشانه را بسط می‌دهد. در نگاهی جامع و کل‌نگر به نظریات نشانه‌شناسی و برای سهولت عملیاتی کردن و پرهیز از فعالیت‌های تکراری می‌توان با استدلال منطقی به ادغام نظریات مختلف نشانه‌شناسان اقدام کرد. این ادغام در پاره‌ای موارد توسط برخی زبان‌شناسان نیز بسته به موضوع مورد بررسی آنها، انجام شده است. مهم‌ترین تفاوت بین دو گونه الگوهای دووجهی و سه‌وجهی، وجود تفسیر (به تعبیر پیرس) و کاربرد (به تعبیر موریس) در الگوهای سه‌گانه است. در واقع معنایی که در ذهن مخاطب



تصویر ۴. تطبیق الگوی ترکیبی نشانه‌شناسی پیرس، موریس، یلمزلف و وانگ و ابعاد معماری منظر. مأخذ: نگارندگان.

عناصر منظر از طریق ارتباط با دیگر عناصر زمینه شکل می‌گیرد. بدون چنین روابطی عناصر منظر تنها دارای معانی ذاتی هستند (همان، ۲۴۶).

این مفاهیم گاهی ناشی از یک مرجع اصلی دیگر همچون یک ایدئولوژی پذیرفته‌شده در آن بستر فرهنگی هستند یا از چندین مرجع رنگ می‌گیرند. بدین ترتیب در ادامه تحلیل سلسله‌مراتبی می‌توان هر یک از ارزش‌ها و مفاهیم بنیادی بستری که منظر در آن شکل گرفته یا می‌گیرد، مورد تجزیه تحلیل قرار گیرد و نحوه نمود آن در سطح بیان ردیابی شود. لازم به ذکر است ممکن است هم‌پوشانی‌هایی بین حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و امثالهم یافت شود که بر وجود یا نحوه نمایش عنصری از منظر در شکلی خاص تأکید کند. پژوهش‌هایی که قصد بررسی عمیق‌تر معانی منظر را دارند می‌توانند تا مرحله مرجع مفاهیم یا ایدئولوژی (ها) پنهان در بستر نیز تأمل و واکاوی را ادامه دهند (تصویر ۶). لاوز معتقد است تا زمانی که نشانه‌ها و نمادها به طور معناداری با جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی مرتبط نشوند، تحلیل نشانه‌شناختی کامل نیست (Lawes, 2019, 1).

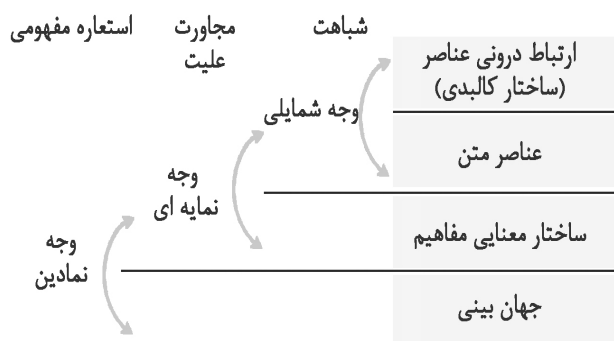
به طور کلی می‌توان سه مرحله اصلی که تشریح شد و سه لایه معنی را در منظر ممکن کرد (معنای اول مستقیم و دو معنای بعد ضمنی هستند) با سه وجه نشانه‌ای پیرس یعنی وجه شمایی، نمایه‌ای و نمادین که به ترتیب براساس شباهت، علیت یا مجاورت و استعاره شکل می‌گیرند همانند دانست. به عبارتی استعاره مفهومی ابزاری در نشانه‌شناسی به شمار می‌رود که امکان ارتباط و تناظر دو قلمرو متفاوت را فراهم می‌سازد که در مرحله سوم و گاهی در مرحله دوم قابل استفاده است (بنگرید به تصویر ۶).

بدین ترتیب چارچوبی تحلیلی برای طبقه‌بندی ابعاد مختلف منظر به دست می‌آید. این چارچوب، دسته‌های تحلیلی را برای توصیف بیان و محتوا فراهم می‌کند. این دسته‌ها، دامنه

را شکل محتوا، و مراجع و مطالب مفاهیم را جوهر محتوا، معرفی می‌کند (تصویر ۵)؛ (Wang, 2020, 336-337).

با مراجعه به متن بودن منظر، عناصر منظر معادل عناصر متن و به عبارتی لایه جوهر بیان را تشکیل می‌دهد. عناصر اصلی متن منظر عبارت‌اند از گیاهان، آب، خاک یا زمین و عناصر انسان‌ساخت که شامل مسیرها، فضاهای مکث و نشستن، و حتی کالبدهای معماری می‌شود. شیوه‌ای که عناصر متن منظر با یکدیگر مرتبط می‌شوند، تشکیل لایه صورت بیان را می‌دهند. به عبارت دیگر ساختار درونی منظر، لایه صورت بیان که در الگوی موریس نحو خوانده می‌شود را تعریف می‌کند. اسپیرن ساختار منظر را رابطه اجزاء با کل تعریف می‌کند که امکان درک کل را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد، یک شکل (یا هر ویژگی و عنصر منظر) چگونه تکامل پیدا کرده یا ساخته شده است. همچنین تناسبات یک شکل و پیچیدگی آن را تعریف می‌کند (اسپیرن، ۱۳۸۷، ۱۴۷-۱۴۸). ساختار در ایجاد انسجام و پیچیدگی اثرگذار است (Bell & Apostol, 2007, 7). ساختار کالبدی با مفاهیمی چون هندسه، تناسبات، سلسله‌مراتب، مقیاس (Raaphorst et al., 2018)، جانمایی عناصر و هم‌جواری‌ها قابل بررسی است. سلسله‌مراتب با قراردادن برخی ویژگی‌ها به‌عنوان تابعی از ویژگی‌های دیگر به منظر نظم می‌دهد (اسپیرن، ۱۳۸۷، ۲۵۹).

بنا به نظر بارت در این مرحله نشانه با ارزش‌هایی از زمینه مرتبط می‌شود. وانگ معتقد است مرتبه سوم از ساختار معنایی مفاهیم در زمینه متن سخن می‌گوید. مفاهیم زمینه‌ای متعددی بر ساختار معنایی متن اثرگذار است. ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، اکولوژیکی، دینی، اقتصادی و دیگر ارزش‌ها می‌توانند نقش زیرساختی برای مفاهیم متن ایفا کنند. این زمینه‌ها لایه‌های متعددی را تشکیل می‌دهند که هر یک مستقل و یا در ترکیب با سایر ارزش‌ها بر چگونگی شکل‌گیری ساختار کالبدی اثرگذارند. معنای



تصویر ۶. مراتب سه‌گانه پیرس در الگوی یلمزلف. مأخذ: نگارندگان.

دال	سطح بیان	صورت بیان جوهر بیان	ساختار درونی متن عناصر متن
مدلول	سطح محتوا	صورت محتوا جوهر محتوا	ساختار معنایی مفاهیم مراجع یا مطالب مفاهیم
سوسور	یلمزلف	یلمزلف	وانگ- یلمزلف

تصویر ۵. بسط الگوی یلمزلف-سوسور با آرای وانگ. مأخذ: نگارندگان.

نشانه‌شناسی می‌تواند در پژوهش‌های مرتبط با منظر، خصوصاً در پژوهش‌هایی که به معنای محیط و منظر می‌پردازند، به‌عنوان یک روش و ابزار، مفید و مؤثر باشد (قره‌بگلو و اردبیلی، ۱۳۹۹، ۵۶).

نتیجه‌گیری

الگوهای نشانه‌شناسی، لنزی برای شناخت، تحلیل و طراحی منظر فراهم می‌کند. سه بعد اصلی قابل بررسی در منظر به لحاظ الگوهای نشانه‌شناسی عبارت‌اند از کالبد و صورت منظر، معنا و محتوای منظر، و آنچه به کاربر و مخاطب منظر مربوط است. تناظر این سه با مقولات نشانه‌شناختی در الگویی ترکیبی برگرفته از مدل سه‌گانه پیرس و موریس در بعد تفسیر و مخاطب فضا، و الگوی یلمزلف و وانگ در بعد معنایی و کالبدی، عملیاتی شده است. بدین ترتیب نشانه‌شناسی روش و ابزاری برای فهم منظر در اختیار متخصصان قرار می‌دهد و خصوصاً در زمینه معنا با سلسله‌مراتبی نظام‌مند، مکانیسم ایجاد معنا و ابعاد مختلف مؤثر بر آن را مورد مذاقه قرار می‌دهد. بر طبق الگوی یلمزلف ابتدا بررسی عناصر متن منظر و ساختار درونی حاکم بر آنها لایه بیان را تشکیل می‌دهد. سپس

مفهوم‌سازی محتوا و بیان نمودهای منظر را در متن تعیین می‌کنند. هر یک از چهار دسته‌ای که در تصویر ۷ به اختصار بیان شده است، عملکرد نشانه‌ای خاص خود را دارد و یک سیستم نشانه‌شناختی متشکل از مؤلفه‌های نشانه‌شناختی را تشکیل می‌دهد. چنانچه در تصویر ۷ در قالب دیاگرام تشریح شده است، موارد تطبیقی چهارگانه صورت بیان، جوهر بیان، صورت محتوا و جوهر محتوا در منظر مشخص شده است. در ستون سوم و چهارم عناوین مورد بررسی درباره آب به‌عنوان یک مصداق از عناصر منظر بیان شده است. از بخش صورت محتوا در این مثال ارزش‌های فرهنگی انتخاب شده است در حالی که هر یک از موارد دیگر به‌تنهایی یا در ارتباط با سایر ارزش‌ها قابل بررسی است. لازم به ذکر است که در فرایند تحلیل منظر از ساختار کالبدی پدیده شناخت آغاز می‌شود و رفته‌رفته در مسیر تحلیل به لایه‌های محتوایی و ارتباط کالبد و معنا و محتوا می‌پردازد، درحالی‌که در طراحی، ابتدا از مفاهیم و لایه‌های ارزشی بستر، فرایند طراحی آغاز می‌گردد و رفته‌رفته طراح به دنبال راه‌های چگونگی نمود آن معانی و مفاهیم در ساختار کالبدی می‌گردد، پس جهت فرایند در طراحی و تحلیل نسبت به یکدیگر معکوس است (تصویر ۷).



تصویر ۷. بسط الگوهای نشانه‌شناسی در خوانش و نگارش متن منظر (آب و ارزش‌های فرهنگی مثالی برای چگونگی بررسی مؤلفه‌های نمودار). مأخذ: نگارندگان.

ارزش‌های مختلف زمینه‌ای بستر که بر طرح اثرگذارند، قابل ردیابی و بررسی عمیق‌تر هستند. این لایه‌های ارزشی ممکن است در مواردی هم‌پوشانی‌هایی داشته باشند و ابعاد مختلفی چون فرهنگ، اجتماع، دین، اقتصاد، اکولوژی و موارد دیگری چون سیاست را شامل می‌شوند. این ابعاد در واقع ساختار معنایی مفاهیم مؤثر بر طرح منظر به شمار می‌روند. بنا به شرایط و موضوع پژوهش می‌توان در ادامه به مرجع یا مراجع این ارزش‌های غالب رجوع کرد. مثلاً ممکن است در یک بستر فرهنگی، دین به‌عنوان یک ایدئولوژی یا یک مکتب فکری برای سایر ابعاد، نقش زیرساختی داشته باشد و بتوان با شناخت بیشتر، ردپای آن را در سطوح دیگر اثر یافت. بدین ترتیب الگوهای نشانه‌شناسی فرصتی برای بررسی نظام‌مند منظر فراهم می‌کنند. می‌توان معنا را در سه سطح اصلی طبقه‌بندی کرد: اول معنایی که از عناصر فضا، نظم و ساختار حاکم بین آنها قابل دریافت است. دوم معنایی که از ارزش‌های زمینه‌ای بستر طراحی نشأت می‌گیرد و سوم معنایی که از ایدئولوژی حاکم منتج می‌شود. معنای اول را که از عناصر کالبدی محیط قابل استخراج است و در وهله اول جنبه عینی پررنگ‌تری دارد، می‌توان معنای مستقیم نامید و معانی مراحل بعد را معانی ضمنی خواند. در حقیقت رمزگان در صورت وجود از مرحله دوم به بعد قابل بررسی هستند. در این مراحل است که برای پیوند بین عناصر و فضای کالبدی و فضای فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، طبیعی و مذهبی از آرایه‌هایی چون استعاره‌های مفهومی، مجاز و کنایه استفاده می‌شود. بدین ترتیب فهم فرایند معنابخشی در طراحی منظر یا معنایابی در تحلیل منظر و یافتن چارچوب و سلسله‌مراتبی مدون برای آن، با کمک علم نشانه‌شناسی فراهم می‌شود و نشانه‌شناسی به‌عنوان یک روش خوانش و نگارش منظر مطرح می‌گردد.

پی‌نوشت

۱. واژه سمیوتیک برای نشان‌دادن نشانه‌شناسی پیرس و سمیولوژی برای نشان‌دادن نشانه‌شناسی سوسور به کار می‌رود. امروز این دو اصطلاح یک رشته واحد را نشان می‌دهند (گیرو، ۱۳۸۰، ۱۳-۱۵).

۲. Representament

۳. Interpretant

۴. Object

۵. Syntactics

۶. Semantics

۷. Pragmatics

۸. Internal structure

فهرست منابع

• اسپیرن، آن ویستون. (۱۳۸۷). *زبان منظر* (ترجمه سید حسین

بحرینی و بهناز امین زاده). تهران: دانشگاه تهران.

- پیروایونک، مرضیه. (۱۳۹۵). معرفی معیار برای تحقیق تطبیقی مبتنی بر دیدگاه کری واک. *مطالعات تطبیقی هنر*، ۱۱، ۱-۱۰.
- ترکمن، زهرا؛ انصاری، مجتبی و کیانی، مصطفی. (۱۳۹۸). از نشانه‌شناسی شهری تا نشانه‌های فرهنگی-اجتماعی؛ به سوی رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی. *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۹(۴)، ۳۵۳-۳۷۰.
- چندلر، دانیل. (۱۳۹۴). *مبانی نشانه‌شناسی* (ترجمه پارسا، مهدی). تهران: سوره مهر.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ رضازاده، راضیه؛ سجودی، فرزانه و محمدی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای. *نامه معماری و شهرسازی*، ۱۱، ۷۱-۸۷.
- دباغ، امیر مسعود و مختاباد امری، سید مصطفی. (۱۳۹۳). چارچوبی نوین برای خوانش مساجد تهران معاصر. *نقش جهان*، ۴(۲)، ۴۲-۲۹.
- سجودی، فروزان. (۱۳۹۰). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: نشر علم.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۳). *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*. تهران: نشر قصه.
- طلایی، آویده؛ حبیب، فرخ و مختاباد امری، سید مصطفی. (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی نشانه‌شناسی بازار سنتی ایران. *جستارهای زبانی*، ۳(۹)، ۱۲۹-۱۵۸.
- غفاری، علیرضا و فلامکی، منصور. (۱۳۹۵). بازتاب نظریه‌های نشانه‌شناسی در خوانش معماری و شهر. *مدیریت شهری*، ۴۵، ۳۳۹-۳۵۰.
- غفاری، علیرضا. (۱۳۹۶). تحلیل نشانه‌شناختی کرمان بر پایه ارتباط لایه‌های متن/بافت. *مدیریت شهری*، ۴۸، ۱۲۹-۱۴۴.
- قائمی‌نیا، علیرضا. (۱۳۹۳). *بیولوژی نص*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قره‌بگلو، مینو و اردبیلیچی، ایلقار. (۱۳۹۹). *مبانی و معنای شناخت معنای محیط*. تبریز: دانشگاه هنر تبریز.
- گیرو، پیر. (۱۳۸۰). *نشانه‌شناسی*. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- ماجدی، حمید و سعیده زرآبادی، زهرا سادات. (۱۳۸۹). *جستاری در نشانه‌شناسی شهری*. آرمان شهر، ۴، ۴۹-۵۶.
- ماهان، امین و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. *باغ نظر*، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- Bell, S. I. & Apostol, D. (2007). *Designing Sustainable Forest Landscapes*. London and New York: Taylor & Francis.
- Bronwen, M. & Ringham, F. (2006). *Key Terms in Semiotics*. New York: Continuum.
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: Architectural Press.
- Copley, P. (2001). *"Text" in Semiotics and Linguistics*. London and New York: Routledge.
- Coyne, R. (2019). *Peirce for Architects*. New York: Routledge.
- Duncan, J, S & Duncan, N J. (2006). Ideology and Bliss: Roland and Barthes and the Secret Histories of Landscape, In T J. Barnes & J S. Duncan (Ed.), *WRITING WORLDS Discourse, text and metaphor in the representation of landscape*. London and New York: Routledge.

- Eco, U. (1979). *A Theory of Semiotics*. Bloomington: India Press.
- Jappy, T. (2013). *Introduction to Peircean Visual Semiotics*. London: Bloomsbury.
- Jorgensen, K. (1998). Semiotics in Landscape design. *LANDSCAPE REVIEW*, 4(1), 39-47.
- Lawes R. (2019). Big semiotics: Beyond signs and symbols. *International Journal of Market Research*, 61(3), 1-14.
- Lindström, K., Kull, K. & Palang, H. (2013). Landscape semiotics: contribution to culture theory. In P. Howard, I. Thompson & E. Waterton (Ed.), *The Routledge Companion to Landscape Studies*. London and New York: Routledge.
- Lomas, T. (2016). Positive art: Artistic expression and appreciation as an exemplary vehicle for flourishing. *Review of General Psychology*, 20(2), 1-12.
- Lomas T. (2019). Positive Semiotics. *Review of General Psychology*, 20(2), 171-182.
- Mingers, J & Willcocks, L. (2017). An integrative semiotic methodology for IS research. *Information and Organization*, 27(1), 17-36.
- Punter, J. (1991). Participation in the design of urban space. *Landscape Design*, 200(1), 24-27.
- Raaphorst, K., Duchhart, I., Van der Knaap, W., Roeleveld, G. & Van Den Brink, A. (2016). The semiotics of landscape design communication: towards a critical visual research approach in landscape architecture. *Landscape Research*, 42(1), 120-133.
- Raaphorst, K., Roeleveld, G., Duchhart, I., Van Der Knaap, W., & Van Den Brink, A. (2018). Reading landscape design representations as an interplay of validity. Readability and interactivity: a framework for visual content analysis. *Visual Communication*, 19(2), 163-197.
- Wang, M. (2020). *Linguistic semiotics*. Singapore: Springer.
- Walk, K. (1998). *How to Write a Comparative Analysis*. Retrieved from [http:// writingcenter.fas.harvard.edu/pages/how-write-comparative-analysis](http://writingcenter.fas.harvard.edu/pages/how-write-comparative-analysis).

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ص برنجی، شینا؛ انصاری، مجتی؛ بمانیان، محمدرضا و حسنی، مسعود. (۱۴۰۰). نشانه‌شناسی به‌عنوان چارچوبی برای خوانش و نگارش منظر. *باغ نظر*، ۱۸ (۱۰۳)، ۶۵-۷۴.

DOI: 10.22034/BAGH.2021.278517.4852

URL: http://www.bagh-sj.com/article_140743.html

